

تکامل برزخی از دیدگاه علامه حسن زاده آملی (ره)

زهرا بنفشه خواه^۱

چکیده

یکی از مسائل بسیار سنگین در فضای فلسفه، کلام و عرفان مقوله تکامل برزخی است. تکامل برزخی از دیدگاه آیات و روایات امری قابل قبول است ولی آنچه که اهمیت دارد ارائه استدلال و برهان عقلی بر این مطلب است. عقل در درک تکامل برزخی با مشکل مواجه است زیرا هر تکاملی نیاز به استعداد و ماده دارد در حالیکه در برزخ، استعداد و ماده وجود ندارد پس چگونه تکامل برزخی ممکن و متصور خواهد بود؟ نگارنده در این مقاله به چندین شبهه در این باب پاسخ داده و نتیجه میگیرد که اولاً تکامل برزخی از امور مسلم و ضروریات دینی محسوب شده و برای همگان به جز افرادی که در بعد علم و عمل کامل اند، میباشد. ثانیاً به اهمیت علم و عمل تذکر داده شده و گفته میشود دو خمیرمایه ای که هویت وجودی انسان را تشکیل داده و سعادت یا شقاوت انسان را بدنبال دارند، ملکات فاضله علم و عمل هستند. ثالثاً از طریق اصل حرکت جوهری تکامل برزخی را اثبات کرده و گوید: تکامل برزخی در بستر جسم برزخی و مطابق با نظام و احکام عالم برزخ صورت میگیرد.

کلید واژه ها: برزخ ، تکامل ، علامه حسن زاده

¹Banafsheh1@gmail.com طلبه سطح دو حوزه علمیه حضرت آمنه (س).

انسان موجودی دو ساحتی است، یک ساحت جسمانی و یک ساحت روحانی. مادامی که در این نشئه و کالبد جسم به سر میبرد، از حیث جسم مادی و همچنین تکامل جوهری در حرکت است که علامه حسن زاده فرموده اند: شما در دو رَحِم پرورانده می شوید، یکی رَحِم مادر عزیز است که به این نشئه می آید و دیگری رَحِم دنیا است و ما در این رَحِم دنیا در حال خود سازی هستیم که «الدنيا مزرعه الآخرة» و این عالم برای شما میشود اساس عوالم مافوق، پس ببینید که خود را چگونه می سازید. {برگرفته از صوت، حسن زاده، 1370، جلسه 51}

اما بحث ما در باب ساحت روحانی انسان است یعنی هنگامی که انسان از این نشئه رخت بربست و جسم خاکی را در خاک رها کرد، آیا میتواند همچنان به سیر تکاملی خود ادامه دهد؟ به عبارت دیگر آیا نفوس مجردة انسانها پس از مفارقت از این نشئه تکامل دارند یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است این تکامل به چه صورت خواهد بود؟ آیا از سنخ تکامل در دنیا است یا بدلیل اینکه عالم مثال، عاری احکام عالم طبیعت همچون ماده و زمان و مکان است، تکامل در آن هم متفاوت خواهد بود؟

در خصوص بحث تکامل برزخی نفس، مقالات متعددی به رشته تحریر در آمده است که به ذکر سه مورد اکتفا میکنیم: 1- (استکمال و اختیار در عالم برزخ با توجه به حکمت متعالیه و قرآن) رضا رسولی شریانی، احمد رضا هنری {حکمت معاصر، شماره اول: 1390} در این مقاله، تکامل برزخی از طریق دو اصل حرکت جوهری و تجدد امثال اثبات میشود و گفته شده هر کجا قوه است، حرکت هم دنبال آن خواهد آمد. 2- (تکامل برزخی از دیدگاه عقل و نقل) سید عبدالله اصفهانی {الاهیات قرآنی، شماره سوم: 1393} این مقاله با مصادیقی کاملاً روشن، تکامل برزخی را در آیات و روایات یافته و همچنین بصورت عقلی اثبات میکند که انسان باید با تکامل به فعلیت تام برسد و تمامی حجب را کنار بزند. 3- (تکامل برزخی نفس) رضوانه نجفی سواد رودباری {نامه حکمت، شماره اول: 1387} این مقاله نیز بصورت دقیق با اصل تجدد امثال به تمامی سوالات و شبهات تکامل برزخی پاسخ داده است.

بطور کلی پرداختن به بحث تکامل برزخی از این حیث حائز اهمیت است که پاسخ به برخی شبهات را بدهد. برای مثال پرسیده می شود: این نشئه دنیا دارای زمان محدودی است و افرادی هستند که به دلیل اشتغال به امور دنیوی برای کسب حلال و امرار معاش نمی توانند آنطور که دلخواه آنان است به امور معنوی بپردازند و در مسیر خود سازی به درجات بالایی برسند، آیا هنگامی که از این نشئه رفتند، راه تکامل بسته خواهد شد؟ یا پرسشی دیگر: افراد گنهکاری در اواخر عمر خود توبه می کنند و لذت عبادت را می چشند آنگاه دوست دارند که

عمر دوباره ای به آنان داده شود یا افراد دیگری هستند که در سنین جوانی بر اثر حوادث و اتفاقات غیر منتظره ای از دنیا می روند آیا راه تکامل این افراد بسته می شود؟

در واقع همه این شبهات به شبهه ی اساسی تر و مهم تری گره می خورد که : غرض خداوند حکیم از خلقت انسان ، رسیدن او به مقام خلیفه الهی است و انسان است که علت غایی این عالم است و باید از متن وجودی عالم طبیعت ، انسان برخیزد و اگر وجود انسان نباشد ، رَحِم عالم طبیعت بی اساس می شود ، حال پرسش اینجاست که تکلیف میلیون ها انسان کافر و گنهکاری که به حقیقت وجودی خود پی نبرده و از دنیا می روند چه خواهد شد؟ آیا این افراد خلود در عذاب جهنم دارند یا خیر؟ اگر دارند آیا حکمت خداوند زیر سوال نمی رود؟ یعنی حکمت این بود که میلیون ها انسان برای خلود در جهنم خلق شوند؟ پس غرض خداوند از خلق این نظام هستی، میلیون ها کهکشان و سیاره و انواع نباتات و حیوانات چه می شود؟

از این رو این پژوهش بدنبال آن است که اولاً تکامل برزخی را اثبات و ثانیاً درباره ی چگونگی این تکامل بحث کند.

1. مفهوم شناسی

تکامل واژه ای عربی و دارای معنای مصدری است که از ماده کمال گرفته شده است و به معنای «تمام شدن» به کار می رود. {ابن منظور، 1405: ذیل واژه کمال} و در اصطلاح به تعبیر شهید مطهری (ره) کمال و تکامل ، تعالی و حرکت صعودی در درجات است ولی تمام و اتمام ، در معنای حرکت سطحی و پیشرفت کمی اجزاء مطرح میشود. {مطهری، 1368، ج 25: ص 511}

برزخ در لغت به معنای چیزی است که در میان دو چیز دیگر حائل شود. {راغب اصفهانی، 1412: ص 118} و در اصطلاح به تعبیر علامه حسن زاده : «و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون» برزخ، حاجب ، واسطه و حائل است و عالمی بین جسم محدود و عقول مجرده است، که هم از این طرف نشانه ای دارد و هم از آن طرف. در حد و شکلش، مثال این عالم است و نمونه ای از آن نشئه دارد که وسیع تر از این عالم است، به مجرد نزدیک تر و از ماده دورتر است. {برگرفته از صوت، حسن زاده: جلسه 2} از عالم برزخ به عالم قبر نیز تعبیر شده است. {طباطبایی، 1422، ج 1: ص 345}

2. اشاره ای به عالم برزخ و احکام آن

«الدنیا عالم الاجتماع و البرزخ و القیمه عالما الانفراد» {حسن زاده، 1375:ص23} روح انسانی پس از رهایی از بدن عنصری مادی، با بدن مثالی و با همه فضایل یا رذایل اخلاقی، در عالم برزخ به ظهور مثالی میرسد. {حسن زاده، 1379:ص54} و در حقیقت، وجود چنین عالمی واجب است زیرا هیچ انسانی بدون برزخ نمیتواند وارد عالم محشر و بهشت و دوزخ ابدی شود، زیرا انتقال از محیطی به محیط دیگر که از هر نظریاً محیط اول متفاوت است، در صورتی قابل تحمل خواهد بود که مرحله میانه ای وجود داشته باشد، مرحله ای که بعضی از ویژگی های مرحله اول و پاره ای از ویژگی های مرحله دوم در آن جمع باشد. {حسن زاده، 1375:ص263-265}

و همچنین علامه حسن زاده در مورد بدن مثالی میفرماید: انسان در هیچ نشئه بی بدن نیست و بدن هر نشئه به وفق اقتضای آن نشئه است و تفاوت ابدان به کمال و نقص است؛ بدن هر نشئه را نیز احکام خاص به همان نشئه است لذا احکام خاص بدن طبیعی این نشئه با بدن نشئه و رای طبیعت همراه نیست. مثلاً خواب برای این بدن طبیعی انسان در این نشئه طبیعت است، لذا فرموده اند که در بهشت خواب نباشد. در تفسیر منهج الصادقین در ضمن کریمه «لا تاخذہ سنۃ و لا نوم» از آیه الکرسی آمده است که: «جابر ابن عبدالله انصاری گفته که از حضرت رسالت (ص) پرسیدند که در بهشت خواب باشد؟ آن حضرت فرمود: نه، زیرا که خواب برادر مرگ است که «النوم أخ الموت» و در بهشت مرگ نباشد؛ فافهم. و بسیاری از آنچه که در ماورای نشئه طبیعت به انسان رو می آورند، بروز و ظهور ملکاتی اند که انسان به کسب یا اکتساب در مزرعه ذات خویش کاشته است چه هرکس زرع و زارع و مزرعه خود است. پس بدان که ملکات نفس، مواد صور برزخیه اند؛ و برازخ نفوس مطابق سوابق سازندگی آنها مر ذوات خودشان را است.

به بیان گرانقدر شیخ اجل سعدی:

دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر کای نور چشم من به جز از کشته ندروی

{حسن زاده، 1379:ص51} اینکه ملکات نفس، مواد صور برزخیه اند یعنی هر عملی صورتی دارد که در عالم برزخ، آن عمل با آن صورت برعاملش ظاهر می شود که صورت انسان در آخرت، نتیجه عمل و غایت فعل او در دنیا است و همنشین های او از زشت و زیبا همگی غایت افعال و صور اعمال و آثار و ملکات او است که در صقع ذات او پدید می آیند و بر او ظاهر میشوند که در نتیجه، انسان در این نشئه نوع و در تحت آن افراد، و در نشئه

آخرت جنس و در تحت آن انواع است. و از این امر تعبیر به تجسم اعمال، یا تجسد اعمال و یا تجسم اعراض و امثال اینگونه تعبیرات کرده اند و مقصود، تحقق و تقرر نتیجه اعمال در صقع جوهر نفس است. {حسن زاده، 1365:ص85} و مفاد آیات «انما هی اعمالکم ترد الیکم» و «جزاء بما کانوا یعملون» و «الاناس مجزیون باعمالهم» همین است. لذا باید این مسئله برای انسانها روشن شود و به حقیقت دریابند که امری مهم تر و حیاتی تر از خود سازی در این نشئه وجود ندارد، و در نهایت این دنیا با تمام لذت ها و سختی ها خواهد گذشت و تنها علم و عمل است که برای انسان باقی می ماند.

همچنین باید دانست که لذات و آلام نفس در این نشئه از مقوله انفعال، و در نشئه آخرت از مقوله فعل اند. {حسن زاده، 1379:ص77} در واقع انفعال به این معناست که اگر در نشئه دنیا، شما غذایی لذیذ یا تلخ را بخورید حالت انفعال و احساس خوشایندی یا ناخوشایندی به شما دست میدهد در حالیکه در آن نشئه، زرع و زارع خود شما هستید و هر چه را اشتهای کنید انشاء خواهید کرد. اگر خود را نیک ساختید، رود و حور و قصور انشاء توانید کرد ولی اگر خود را بد ساختید، جز زقوم و نار نمیتوانید انشاء کنید. پس لذات و آلام در دو نشئه قابل مقایسه با یکدیگر نیستند و اگر کسی سوال پرسید: اگر مجانستی بین لذات و آلام در دو نشئه نیست، چرا در آیات میبینیم که تمثیل نعمات بهشتی و عذاب های جهنم از جنس لذات و الم های دنیوی است؟

در پاسخ گوییم: فقط به جهت تنبیه و آگاهی دادن به عموم مردم است زیرا اکثریت مردم قابلیت فهم و درک احکام ماوراء طبیعت را ندارند. «وتلک الامثال نضربها للناس و ما یعقلها الا العالمون» {عنکبوت:43}

3. حقیقت تکامل برزخی

انسان را سه سیر است یکی سیرمادی طبیعی، و دوم سیر برزخی مثالی و سوم سیر عقلی. اول و دوم را نهایت است و سوم بی نهایت. {حسن زاده، 1385:ص209}

تکامل و سیر برزخی یکی از مسائل بسیار پیچیده عقلی و فلسفی است که ورود فلسفه و بزرگان فلسفه در این مسئله، بعد از آگاه شدن از اهمیت دادن شریعت به آن مسئله بوده است و گرنه عقل به تنهایی توانایی مطرح کردن آن را ندارد و تنها بعد از اینکه شرع آن را بیان کرده بود عقل، دنبال اقامه برهان و دلیل برآن شده است. {حسن زاده، 1381، ج5:ص292}

برای انسان در سیر تکاملی خود حد و مرز مشخصی وجود ندارد بلکه بر هر اندازه که بخواهد میتواند پیش رود و سیری بی نهایت داشته باشد. پس انسان دارای قوه های بی شماری است که زمینه حرکت و سیر بی نهایت او را فراهم میکنند زیرا اگر قوه ای نباشد حرکتی نیز صورت نخواهد گرفت. از طرفی انسان هرگز نمیتواند در مدت عمر محدود مادی خود چنین سیری را انجام دهد و قوه های خود را تماماً به فعلیت برساند و به فعلیت محض دست یابد و این میتواند به خاطر عوامل متعددی از جمله کوتاهی عمر، وجود موانع مختلف و همچنین محال بودن قرار گرفتن بی نهایت در بین دو نقطه زمانی محدود و مشخص باشد.

شاید بتوان گفت هیچ کس نمیتواند در حیات مادی خود به فعلیت محض نائل شود و به عوالم بعد سفر کند در حالی که هیچ قوه ای ندارد یا اگر چنین باشد اندک افرادی می توانند به این مرتبه برسند در این صورت آنها برزخ نخواهند داشت یا برزخ آنها بسیار کوتاه است. پس میتوان چنین گفت که انسان بعد از رحلت از عالم ماده و ورود به عالم برزخ هنوز حالت بالقوه دارد؛ در نتیجه با وجود قوه، زمینه تغییر و حرکت وجود دارد. همان طور که میدانیم قوه نیازمند به موضوعی است تا ضمن آن تحقق داشته باشد و در عالم ماده این موضوع همان ماده است اما در عالم برزخ ماده حضور ندارد بلکه فقط برخی از آثار ماده وجود دارد. پس قوه موجود در عالم برزخ در ضمن چه چیزی تحقق دارد؟ در پاسخ به این سؤال باید این مطلب را در نظر گرفت که وقتی ما در مورد یک عالم صحبت می کنیم، آن عالم دارای نظام و قوانین خاص خود است و ما باید مطالب خود را با آن نظام و قوانین مطابقت دهیم قبلاً گفته شد که عالم مافوق، کمالات و داشته های مادون خود را بدون نقص و محدودیت دارا است. پس میتوانیم در عالم برزخ نیز ماده یا قابلی را در نظر بگیریم که محدودیت و نواقص عالم ماده را ندارد و مطابق با نظام و قوانین حاکم بر عالم برزخ است و می توان آن را ماده برزخی نامید.

به طور کلی میتوانیم قائل شویم که در عالم برزخ نیز قوه دارای موضوعی است که مطابق با عالم برزخ است. اگرچه در این عالم ماده وجود ندارد اما باز هم میتوانیم در عالم مثال قائل به قوه شویم زیرا میتوانیم موضوع قوه را همان نفس بدانیم که در دنیا نیز به تعبیر ملاصدرا محل و موضوع ملکات اخلاقی بوده و در برزخ نیز همان ملکات به منزله تجلیات و ظواهر وجودی نفس ظاهر میشوند. همان طور که قبلاً نیز اشاره شد نفس امری بالقوه است پس قوه و استعداد مربوط به نفس است و نفس موضوع آن است چه در عالم ماده و چه در عالم مثال.

پس با بیان این مطالب میتوان چنین نتیجه گرفت که نفس انسان به خاطر محدودیت عالم ماده، زمینه ظهور همه قوای خود را ندارد ولی در عالم برزخ با کنار رفتن موانع و فراهم شدن مقتضیات و علل نفس قابلیت اعطای صور و ظهورات جدید را پیدا میکنند و بدین ترتیب استکمال برزخی نفس محقق می شود.

با توجه به این مطلب که گفته شد موضوع قوه همان نفس است پس دیگر میان حرکت جوهری انسان در عالم ماده و استکمال برزخی او تفاوتی نخواهد بود و حرکت جوهری به همان نحو قابل پیاده شدن در عالم برزخ است با این تفاوت که در عالم ماده این حرکت در بستر ماده صورت میگیرد اما در عالم برزخ چنین نیست و این حرکت استکمالی در بستر جسم و بدن برزخی صورت می پذیرد یعنی همانطور که نفس برای استکمال خود در عالم ماده از بدن مادی استفاده میکرد در عالم برزخ نیز برای استکمال خود از بدن برزخی بهره می برد که همان ظهور ملکاتی است که نفس در عالم ماده کسب کرده است. پس موضوع حرکت جوهری انسان که همان نفس است و چگونگی آن در هر دو عالم یکسان است با این تفاوت که یکی در بستر جسم مادی و دیگری در بستر جسم برزخی است. { هنری، رسولی شربیانی، 1390:ص19 }

نکته پایانی

در پایان باید متذکر نکته ای شویم و آن اینست که اگر چه در این مقاله به اثبات و تایید تکامل برزخی پرداخته شد لکن نباید از این آیات و روایات و ادله اینطور توهم شود که انسان ها هرچند در این نشئه دنیا به فسق و فجور بپردازند در نهایت ،آنها را روح و ریحان و جنت نعیم خواهد بود زیرا اولاً: همه ما آگاه بر این مطلب هستیم که مزرعه اصلی و دار تکامل انسانها، این نشئه دنیا میباشد و همچنین ملاحظه میکنیم که علما و بزرگان ما متحمل چه رنج ها و سختی هایی در مسیر تکامل و کسب علم و عمل صالح شده اند که علامه حسن زاده فرمود: الهی، جان به لب رسید تا جام به لب رسید. {حسن زاده، 1374: ص56} ثانیاً: حال که تکامل در این نشئه بدین صورت است ، قطعاً تکامل در عالم برزخ که عالم تجسم اعمال است و در حساب روز ها و سالهایش متفاوت با عالم طبیعت است ، به مراتب سخت تر و جان فرسا تر خواهد بود.

در نتیجه نباید به انتظار تکامل برزخی نشست بلکه باید با عزمی راسخ و همتی بلند، آنچنان در این عالم با حضور و مراقبه متصف به صفات اولیاء الله شد که در همین نشئه دنیا ، عالم برزخ طی شود و انسان به سیر مجرد عقلی بپردازد.

صاحب آن خواه مرد و خواه زن

همتی باید قدم در راه زن

نتیجه گیری

پس تکامل برزخی حق است و مقتضای حکمت خداوندی است و افرادی که در این نشئه به هر دلیلی از سیر تکامل انسانی خود باز ماندند، بنابر اصل حرکت جوهری به سمت فعلیت خود در حرکت خواهند بود و با کنار رفتن موانع و فراهم شدن مقتضیات، نفوس انسانی دم به دم قدرت اعطای صور و ظهورات جدید را پیدا میکنند و علاوه بر آن با توجه به روایات دانسته شد هر آنچه از باقیات الصالحات در این نشئه باقی گذاشته میشود و هر گونه اطعام ، نماز و اعمال عبادی که برای اموات فرستاده میشود باعث تکامل آنها در عالم برزخ است.

تکامل برزخی برای نفوس غیر کامله میباشد که توقف تحول آمیزی در عالم برزخ دارند همچنانکه این تکامل برای نفوس کامله به صورت تجلیات است و آنها پس از طی مراتب کمال، مراتب و درجات اکملیت را طی میکنند. همچنین دانسته شد که تکامل برزخی در بستر جسم برزخی و در عوالم دیگر به وفق اقتضای آن عوالم و تحت ابدان مقتضای آن نشئه صورت میگیرد که تمامی این ابدان با یکدیگر عینیت دارند و تفاوت آنها تنها به کمال و نقص است.

با توجه به مطالب گفته شده هیچ شبهه ای در اصل تکامل برزخی باقی نمیماند در ضمن این نکته که این تکامل نباید مانعی برای رسیدن به کمال و سعادات در این عالم که علم انباشته روی هم است ، ایجاد کند بلکه انسان باید همواره در راه کسب علم و عمل صالح ، ثابت قدم باشد.

منابع

قرآن کریم

1. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی (للصدوق)، (چاپ ششم) تهران: کتابچی (1376)
2. ابن منظور، محمد، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه (1405) ق
3. ابن سینا، حسین بن عبدالله، تعلیقات به تحقیق عبدالرحمن بدوی، بیروت: مکتبه الاعلام الاسلامی (1404) ق
4. امام خمینی، روح الله، تعلیقه بر فصوص ابن عربی، موسسه نشر آثار امام خمینی (ره) (1375)
5. حسن زاده آملی، حسن، سی دی پیرامون اخلاق، شماره 1: جلسه 2
6. حسن زاده آملی، حسن، صوت شرح مصباح الانس (1370)
7. حسن زاده آملی، حسن، انسان در عرف عرفان، (چاپ چهارم) تهران: انتشارات سروش (1379)
8. حسن زاده آملی، حسن، اتحاد عاقل و معقول، (چاپ اول) قم: نشر قیام (1375) و (چاپ دوم) تهران: نشر حکمت (1366)
9. حسن زاده آملی، حسن، هزار و یک نکته، (چاپ پنجم) تهران: نشر رجاء (1365)
10. حسن زاده آملی، حسن، دروس معرفت نفس، (چاپ سوم) قم: نشر الف لام میم (1385)
11. حسن زاده آملی، حسن، هزار و یک کلمه، (چاپ سوم) قم: بوستان کتاب (1381)
12. حسن زاده آملی، حسن، شرح اشارات و تنبیها، (چاپ دوم) قم: آیت اشراق (1389)
13. حسن زاده آملی، حسن، ممد الهمم فی شرح فصوص الحکم، (چاپ اول) تهران: وزارت ارشاد (1378)
14. حسن زاده آملی، حسن، عیون مسائل نفس و شرح آن، (چاپ اول) قم: نشر قیام (1380)

15. حسن زاده آملی، حسن، الهی نامه، (چاپ پنجاهم) قم: بوستان کتاب (1374)
16. حسینی طهرانی، محمد حسین، مهرتابان، {بی جا}: موسسه انتشارات باقر العلوم {بی تا}
17. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، (چاپ اول) بیروت: دارالعلم دارالشامیه (1412) ق
18. سامانی، عمان، گنجینه الاسرار، چاپ کبری، اصفهان: انتشارات میثم تمار (1360)
19. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، اسرار الآیات؛ مقدمه و تصحیح محمد خواجهوی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه (1360)
20. طباطبایی، سید محمد حسین، بدایه الحکمه؛ تصحیح و تعلیق عباسعلی زارعی سبزواری، (چاپ سوم) قم: موسسه النشر الاسلامی (1428) ق و ترجمه و اضافات علی شیروانی، تهران: موسسه انتشارات دارالعلم (1384)
21. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، (چاپ دوم) بیروت: دار احیاء التراث العربی (1397)
22. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا (1368)
23. هنری، احمد رضا/ رسولی شربانی، رضا، مقاله استکمال و اختیار در عالم برزخ با توجه به حکمت متعالیه و قرآن، (شماره اول) حکمت معاصر (1390)